

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۱۲

جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۹ مارس ۲۰۲۱

پیام نوروزی حمید تقوایی



نوروزتان سرور

فرا رسیدن نوروز و سال نو را به همه شما مردم ایران تبریک میگویم. نوروز مصادف است با آغاز فصل بهار. فصل شادی و شکوفائی و سرزندگی، و موسم پشت سر گذاشتن جمود و انجماد و رکود زمستانی. نوروز جشن زندگی است و به همین خاطر با نفس موجودیت جمهوری اسلامی در تناقض قرار دارد.

حکومت جمهوری اسلامی حکومت ماتم و عزاست. حکومتی است که رسماً و قانوناً شادی و موسیقی و رقص و پایکوبی را ممنوع اعلام کرده است. حکومتی است که در برابر شکوفائی و سرزندگی و بالندگی، جمود و انجماد و تخریب قرون وسطائی را نمایندگی میکند. به همین دلیل هم هست که از روز ابتدای بقدرت رسیدن این حکومت مبارزه بی امانی بین ما مردم و حکومت جریان دارد.

در سال گذشته این مبارزه ابعاد گسترده تری پیدا کرد. در وهله اول علیه ویروس کرونا، علیه این بیماری مهلک که با همدستی جمهوری اسلامی به یک فاجعه اجتماعی در ایران تبدیل شد.

در عرصه های دیگر هم اعتراضات گسترش یافت. جنبش کارگری گامهای بزرگی بجلو برداشت. اعتصابات

ادامه در صفحه ۸

شماره صفحه:	در این شماره انترناسیونال:
۸ و ۱	پیام نوروزی حمید تقوایی
۴ و ۳، ۲	حزب کمونیست کارگری و کارزار نه به جمهوری اسلامی. حمید تقوایی
۵ و ۴	وداع با نازنین. مینا احدی
۶	جدال بر سر دستمزد، جدال علیه فقر و بندگی. شهلا دانشفر
۸ و ۷	جامعه طبقاتی، دولت و انقلاب اجتماعی. کاظم نیکخواه
۹	سخنرانی انگلس هنگام به خاکسپاری مارکس
۱۰	چهارشنبه سوری ۱۳۹۹، جمهوری اسلامی در محاصره خشم و شادی جوانان! سازمان جوانان کمونیست
۱۲ و ۱۱	از مدیای اجتماعی حزب
۱۵ و ۱۴، ۱۳	اطلاعیه ها حزب

ضمیمه انترناسیونال ۹۱۲ سه شنبه منتشر میشود

ایران در سالی که گذشت. حمید تقوایی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری و کارزار نه به جمهوری اسلامی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

نه به جمهوری اسلامی یعنی:

نه به دخالت مذهب در دولت و قوانین و سیستم آموزشی

نه به حمایت مالی و معنوی دولت از نهادهای مذهبی

نه به ستم و تبعیض ملی و مذهبی و جنسیتی

نه به "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی"

نه به فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری

نه به دخالت تروریستی در منطقه

نه به جداسازی جنسیتی

نه به زندان و شکنجه

نه به حجاب اجباری

نه به فساد و دزدی

نه به دستگاه سرکوب

نه به هر نوع ناپرابری

نه به بی حقوقی زن

نه به قصاص

نه به اعدام

کنارشان قرا میگردند و مدافع خط استحاله میشوند. حتی وقتی روحانی روی کار آمد بی بی سی اعلام کرد دیگر دوره انقلاب تمام شده است. اما آیا امروز که سرنگونی طلبی حرف اول را میزند همین را نمیشود مبنای فعالیت مشترک همه اپوزیسیون از جمله شخصیتهایی مثل رضا پهلوی و سلطنت طلبها قرار داد؟

حمید تقوایی: اولین نکته اینست که باید حساب توده مردم، کارگران و زنان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه که میشود گفت اکثریت قریب باتفاق مردم را دربرمیگیرد، حتی حساب اکتیویستها و چهره هایی نظیر نویسندگان و هنرمندان و ورزشکاران و غیره را از حساب نیروهای اپوزیسیون راست نظیر مشروطه خواهان و سلطنت طلبها و همه نیروهایی که میخواهند به نوعی نظام گذشته را احیا کنند جدا کرد. این نیروها امروز تحت فشار و تحت فضای عمومی جامعه به سرنگونی طلبی نزدیک ادامه در صفحه ۳

و اعتصابات کارگری و تجمعات معلمان و بازنشستگان و جنبش رهایی زن، که نمود و بروز درخشانش را در ۸ مارس امسال دیدیم، مشاهده میکنیم.

حرف ما حرف خیابان هم هست. به نظر من هر چه ما بیشتر جلو میرویم، هر چه به آخر عمر جمهوری اسلامی نزدیکتر میشویم، این خط و جهتگیری هم در میان فعالین جنبشهای مبارزاتی و در میان کارگران و زنان و جوانان و بازنشستگان و معلمان گسترده تر میشود.

کیوان جاوید: حزب کمونیست کارگری از همان اولین روز فعالیتش بر نه به جمهوری اسلامی و سرنگونی کل رژیم و نظام حاکم تاکید کرده است. امروز بخش وسیعی از جامعه و حتی جریانات و احزاب مختلفی در اپوزیسیون به این موضع حزب کمونیست کارگری رسیده اند. یادمان هست که چطور وقتی اصلاح طلبان حرکتی میکردند همه نیروهای اپوزیسیون راست در

نه به سیستمی که تبعیض و ناپرابری را در همه سطوح، در سطح اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، بر جامعه تحمیل کرده است. این ناپرابریها باید از بین برود تا به یک جامعه رها و آزاد و برابر برسیم.

این معنی واقعی سرنگونی حکومت در ابعاد مختلف است. حزب مدتهاست این درک و تبیین از سرنگونی را در جامعه تبلیغ میکند و ما از جمله در بیابیه ای با عنوان منشور انقلاب و رهایی جامعه بطور روشن و همه جانبه ای معنی واقعی سرنگونی حکومت و ناظم حاکم و ارکان رهایی جامعه را در ابعاد مختلفی توضیح داده ایم. ما فراخوانمان همیشه این بوده است که بدون سرنگون کردن کل حکومت اسلامی و بدون محاکمه سران حکومت و بدون انحلال بوروکراسی و ماشین حکومتی مافوق مردم، بدون لغو بردگی مزدی که منشأ فقر و فلاکت و بیحقوقی در جامعه است، جامعه رها نمیشود و این گفتمان و خط و جهتی است که عملاً هم در مبارزات



رفاه و برابری و آزادی و کلا رهایی جامعه منجر بشود باید تیشه به ریشه بزند. جریانات مختلف اپوزیسیون استیباطات مختلفی از نه به جمهوری اسلامی دارند. تعبیر و تبیینی که ما از نه به جمهوری اسلامی داریم اینست که نه به فقر، نه به بیکاری و گرانی، نه به "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" که مردم علیه اش شعار میدهند، نه به دستمزدهای ۵ مرتبه زیر خط فقر، نه به بردگی مزدی؛ نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به مذهب، نه به مذهب در حکومت و آموزش و پرورش و قوانین، نه به تابوها و مقدسات و اخلاقیات حاکم که اساسا اسلامی است، و نه به مذهب رسمی؛ نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به ماشین سرکوب و وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح حکومت، نه به کل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نظیر بسیج و سپاه و گشتهای ارشاد و غیره و غیره؛ نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به بی حقوقی زن، نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اجباری؛ یعنی نه به بیحقوقی همجنسگرایان و رنگین کمانی ها؛ نه به جمهوری اسلامی یعنی تیشه زدن به ریشه فقر و "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی" که مردم علیه اش شعار میدهند؛ نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به حکومتی که مافوق مردم است و از بالای سر مردم تصمیم میگیرد، یعنی نه به بی اختیاری مردم و از قول مردم تصمیم گرفتن؛ یعنی نه به تروریسم اسلامی و نه به جنبش اسلام سیاسی؛ یعنی نه به هر نوع ممنوعیت و محدودیت بر سر آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی تحزب و شکل، آزادی اعتراض و تظاهرات و اعتصاب؛ کلا نه به جمهوری اسلامی یعنی

کیوان جاوید: نظر شما در مورد کارزار نه به جمهوری اسلامی که اخیرا آغاز شده چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من این گام مثبتی است. هر حرکتی که علیه جمهوری اسلامی باشد و خواهان آزادی و رفاه و برابری باشد قدم مثبتی است و کارزاری که شروع شده تحت تاثیر این جهتگیری است. این حرکت را باید نتیجه و بازتاب مبارزاتی دانست که مردم ایران بخصوص از سال ۹۶ شروع کردند، مبارزاتی که نقطه اوجش خیزش ۹۸ بود با شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" و بدنبال آن اعتصابات گسترده کارگری و مبارزات معلمان و بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه را شاهد بودیم که مستقیما جمهوری اسلامی را هدف قرار میداد. این کارزار هم نتیجه و حاصل گسترش این جنبش عمومی است و هم حرکتی است در جهت گسترده کردن نه به جمهوری اسلامی که معنائی بجز سرنگونی حکومت ندارد. این حرکت نشان میدهد که در برابر گفتمان اپوزیسیون راست مبنی بر نافرمانی مدنی و قانون اساسی و فراندوم، خط و جهتگیری چپ در جامعه دست بالا پیدا کرده است.

کیوان جاوید: شما معنی واقعی نه به جمهوری اسلامی را چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوایی: همیشه حزب ما تاکید کرده است که نه به جمهوری اسلامی باید مبتنی بر یک نقد و چالش رادیکال و ریشه ای به وضع موجود باشد. بچالش کشیدن جمهوری اسلامی اگر بخواهد واقعا به برچیدن کل نظام موجود و به

ادامه از صفحه ۲

شده اند که از این نظر جای خوشبختی است ولی در عین حال اینها نیروهائی نیستند که از نظر استراتژیک به معنائی که من نه به جمهوری اسلامی را توضیح دادم مخالف حکومت باشند. استراتژی این نیروها هیچوقت ریشه کن کردن جمهوری اسلامی نبوده است بلکه همیشه خواهان تغییر اوضاع با حداقل تغییرات بوده اند، همراه با مانع تراشی در راه حرکتیهای اعتراضی مردم. مثلا حتی در اوج خیزش ۹۸ شاهد بودیم که رضا پهلوی پیام و فراخوانی به "سران لشکری و کشوری" فرستاد مبنی بر اینکه چطور باید از "هرج و مرج" جلوگیری کرد. تا همین دیروز هم حاضر نبود حکومت اسلامی را بعنوان حکومت اسلامی مورد نقد قرار دهد بلکه آنرا "فرقه تبهکار" می نامید که اسلام و آخوند تضعیف نشود. و این خیلی گویاست. نیروهای راست همیشه انقلاب و مبارزات انقلابی و رادیکال مردم را "زیاده روی" و "هرج و مرج" میدانند. و تمام تلاششان اینست که اعتراضات خیابانی را کنترل کنند و با اندک تغییراتی از بالا مردم را به خانه بفرستند.

نکته بعدی اینست که افقی که در برابر جامعه قرار میدهند بازگشت بدوران سلطنت است. (گرچه رضا پهلوی الان زیر فشار جنبش رادیکال اجتماعی میگوید سیستم جمهوری را بر سلطنت ترجیح میدهد و اگر شاه هم بخواهد بیاید باید انتخابی باشد!) روشن است که مردم نمیخواهند به دوره ای برگردند که علیه اش انقلاب کردند و حق داشتند انقلاب کنند. اینکه جمهوری اسلامی از نظر جنایت و کشتار و سرکوب گوی سبقت را از همگان ربوده است به این معنی نیست که مردم به یک دیکتاتوری دیگر این بار تحت نام ایران زمین و پرچم و سایه خدا و غیره، رضایت میدهند. این خواست و گرایش را در میان توده مردم و در جنبشهای گسترده اعتراضی مشاهده نمیکند. این گفتمان و افق بازگشت به گذشته اساسا در میان نیروهای

کسی هم ممکن است بگوید نه به جمهوری اسلامی یعنی میهن پرستی، یعنی تمامیت ارضی، یعنی احیای دوران گذشته و غیره و غیره. ما وظیفه مان اینست که این را افشا کنیم و معنی واقعی نه به جمهوری اسلامی را در جهت رهائی و برابری و آزادی جامعه در میان مردم اشاعه بدهیم. این کار هر روزه ما است و از امروز با این بیانیه نه به جمهوری اسلامی شروع نشده است. ما در تمام مدت فعالیتیمان به همین معنا علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده ایم.

اسلامی که از جامعه نشات گرفته و کسانی که آنرا تأیید میکنند حمایت نمیکند؟

حمید تقوائی: ما از هرکس بگوید نه به جمهوری اسلامی، به معنائی که توضیح دادم، حمایت میکنیم، ولی وقتی میگویند نه به جمهوری اسلامی و زنده باد امام میهن آنوقت موضوع فرق میکند. مساله اینجاست. همانطور که گفتیم نه به جمهوری اسلامی یک خواست عمیق جامعه است ولی امام میهن یک ارزش و یک گفتمان سیاسی اپوزیسیون راست سلطنت-جمهوریخواه است. اینها را نباید با هم اشتباه گرفت و نباید باهم مخلوط کرد. این میتواند حرکت مردم را تحریف کند.

تا آنجا که به معنی نه بر میگردد بله ما معنی نه خودمان را به جامعه ارائه کرده ایم. که بالاتر توضیح دادم. کسی هم ممکن است بگوید نه به جمهوری اسلامی یعنی میهن پرستی، یعنی تمامیت ارضی، یعنی احیای دوران گذشته و غیره و غیره. ما وظیفه مان اینست که این را افشا کنیم و معنی واقعی نه به جمهوری اسلامی را در جهت رهائی و برابری و آزادی جامعه در میان مردم اشاعه بدهیم. این کار هر روزه ما است و از امروز با این بیانیه نه به جمهوری اسلامی شروع نشده است. ما در تمام مدت

ادامه در صفحه ۴

انداخته اند و چه مصائبی را به مردم تحمیل کرده اد. مردم این را نمیخواهند. مردم هیچ نوع تابو و هیچ نوع سیستم مقدس و قدرت مافوق مردم به اسم خدا، به اسم اسلام، به اسم شاه، به اسم میهن، را نمیخواهند. امر مردم رهائی انسان، اختیار انسان، برابری انسانها و کلا انسانیت به یک معنی جهانشمول و عمیق کلمه است. و تمام تلاش حزب ما هم این است که جامعه هرچه بیشتر به این جهت سوق پیدا کند.

این را هم باید تاکید کنم که مردم هیچ نوع حکومت آقا بالاسر و مافوق مردمی را نمی پذیرند. فی الحال جنبش کارگری شعار اداره شورائی را اعلام کرده است و مردم خواهان اداره شورائی هستند. معنی سلبی اداره شورائی نه به حکومت مافوق مردم و آری به خواست اعمال اراده مستقیم مردم است. ما از هر نیروئی که در این جهت حرکت کند استقبال میکنیم.

کیوان جاوید: ولی از بیانیه نه به جمهوری اسلامی هر کس میتواند تعبیری داشته باشد. کسی معنی میکند یعنی دفاع از امام میهنی که از نظر من و شما ارتجاعی عقب مانده است. از نظر شما نه به جمهوری اسلامی معنی دیگری دارد که اینجا توضیح دادید. ولی این بیانیه را حول شعار مردم علیه رژیم نوشته اند. آیا شما از همین نه به جمهوری

در این میان نیروهای راست هر چقدر با این نه عمیق مردم همراه بشوند این را باید حاصل مبارزات مردم دانست و از آن استقبال کرد. از فراندوم و قانونی اساسی دست کشیده اند و به جمهوری اسلامی نه میگویند و همانطور که در ابتدا اشاره کردم این یعنی دست بالا پیدا کردن جنبش سرنگونی و خط و گفتمان چپ سرنگونی طلب. ولی هرگاه بخواهند محدودیتی ایجاد کنند و یا مبارزات مردم را به انحراف بکشاند باید قاطعانه در مقابلشان ایستاد. مثلا

همین بیانیه نه به جمهوری اسلامی آغشته است به دفاع از امام میهن و خاک ایران زمین و غیره. من فکر میکنم هیچ نوع مقدساتی نباید برای مردم تعریف کرد. اگر ما ائمه اطهار و قرآن و مقدسات اسلامی و غیره را میخواهیم کنار بگذاریم و با این تابوهائی که سر مردم را بریده اند تعیین تکلیف کنیم، به طریق اولی نمیخواهیم دوباره برگردیم به سیستم مقدسات ملی-میهنی نظیر نیاکان و امام میهن و خاک پرستی و تمامیت ارضی و غیره.

کسی که رهائی مردم را میخواهد باید صریحا همین را بگوید. جامعه میخواهد آزاد بشود نه خاک ایران زمین. میدانیم با پرچم تقدس آب و خاک چه جنایتی انجام شده و به اسم میهن چه جنگهای خانمانسوزی براه

راست مطرح است و نه در کف خیابان و در میان جنبشهای اعتراضی و فعالینشان. نیروهای اپوزیسیون راست خواستار حداقل تغییرات در نظام موجود هستند به نحوی که ماشین سرکوب حاکم باقی بماند و یک قدرت مافوق مردم این بار تحت نام شاه و دربار یا هر چیز دیگری، بر جامعه حاکم بشود.

این افقی است که راست جلوی جامعه میگذارد. ولی مردمی که اعتراض میکنند و مثلا به همین کارزار نه به جمهوری اسلامی میپنودند اکثریت عظیمشان با این خط و جهت راست همراه نیستند. حتی همان فعالین و هنرمندان و کنشگرانی که این بیانیه را امضا کرده اند منظورشان این نیست که میخواهیم به دوره گذشته برگردیم، که از شر "ولی خدا" راحت شویم و "سایه خدا" را بر سرمان حاکم کنیم. برای مردم و فعالین نه به جمهوری اسلامی یعنی آزادی و رهائی و برابری. مردم هزار و یک درد و مشکل و مساله دارند، هزار و یک بیحقوقی و ظلم و تبعیض بر آنها روا شده و علیه این مسائل بمیدان آمده اند. تلاش ما اینست که این میل و گرایش واقعی و برحق توده مردم و اکتیویستها و فعالین و چهره های هنری و فرهنگی و ورزشی را در مسیری جهت بدهیم که واقعا بتواند تیشه به ریشه جمهوری اسلامی بزند و جامعه را به آزادی و رفاه و برابری رهنمون بشود.

وداع با نازنین مینا احدی



و دولت روسیه حرف میزند. از ما میپرسد چه کسی را از دست داده ایم و میگوییم یک انسان نازنین را.

از تاکسی که پیاده میشوم، نریمان عضو مرکزیت نهاد اکسم مسلم را می بینم که با دسته گلی آنجا منتظر ما هست. نریمان یکی از دستاوردهای نازنین بود. زنی جوان که از الجزایر به اروپا پناهنده شده. نازنین او را نمیدانم چگونه در هامبورگ پیدا کرد و با او دو بار در جایی ملاقات کرد. گفت با او کار میکنم تا با ما همکاری کند و اکنون نریمان

عضو مرکزیت ما هست. زنی که در الجزایر کارمند یک شرکت آلمانی بوده و با یک مرد آلمانی دوست میشود و میخواید با او ازدواج کند. خانواده او مخالف ازدواج او با یک کافر اروپایی هستند و در نهایت وقتی می شنوند که نریمان با او دوست شده، ناموس خود را در خطر می بینند و برادرش قصد کشت او را دارد که نریمان فرار میکند و اکنون هم حتی بعد از گذشت دو دهه، عکسش را

ادامه در صفحه ۵

از رانندگی نمیترسی. لبخند ملیحی میزد و همیشه میگفت نگران نباش تو هم یاد میگیری. این بار وقتی به شهر هامبورگ میرسیم احساس میکنم، شهر نفس نمیکنش و هوای بارانی و سرد و مه گفته و یا بهتر بگویم غم گرفته شهر حال را بدتر میکند. با نسان در اطراف ایستگاه مرکزی قدم میزنیم و به این هیاهوی مردم و رفت و آمدهای تند اینها نگاه میکنم و با خودم فکر میکنم، آیا میدانند که در این شهر چه کسی را از دست داده ایم؟

یکساعت بعد با تاکسی به محل برگزاری مراسم وداع با نازنین میرویم. راننده ما یک مرد جوان افغانستانی است که می شنود ما باهم فارسی حرف میزنیم و فوراً سر صحبت را باز میکند. میگوید بیست سال است اینجا است و هرگز به افغانستان بر نگشته و علیه طالبان و آدمکشی های آنها و ترور خبرنگاران و زنان حرف میزند و میگوید آنجا هیچ وقت روی آرامش ندیده و کمی هم علیه جمهوری اسلامی ایران

با نسان نودینیان، در قطار سریع السیری بطرف هامبورگ میرویم. سفر با قطار را دوست دارم و همیشه در مسیر راه، فرصت دارم در مورد کارهایی که باید در این سفر انجام دهم که معمولاً سخنرانی و یا شرکت در کنفرانسی هست، کار کنم. این بار درختها و شهرها و روستاهای زیبا مسیر را نگاه میکنم و احساس میکنم، همه اینها مثل همیشه سبکبال و آرام از جلوی چشم من رد نمیشوند. نه این بار همه اینها باری هستند بر قلبم. بخودم نهیب میزنم، آرام باش و سعی کن این احساس دلتنگی و غم، بر تو غلبه پیدا نکند. با خودم فکر میکنم، این مسیر را با قطار بارها رفته ام، بطرف شهر هامبورگ، شهر نازنین برومند.

من بارها از این مسیر پرپیچ و خم رفته ام و در نهایت در ایستگاه مرکزی قطار یا نازنین به استقبال آمده و با مهارتش در رانندگی و خنده های زیبایش که هر بار ماشین را پارک میکرد برایش دست میزد و می گفتم بابا چطور شد که این قدر ماهر هستی

ببرند. ما هیچ ارزشی بجز خود انسان و برابری و آزادی انسانها را قبول نداریم.

به همین خاطر من فکر میکنم باید به این حرکت هم مثل هر حرکت دیگری برخورد کرد. یعنی نه از سر تمایلات و گرایشهای فعالین بلکه از زاویه سیاست و فراخوان و شعارها و ارزشهایی که مطرح میکنند. در همان مثالهایی که شما زدید، مثلاً در مورد بایکوت جمهوری اسلامی، ما به همه فراخوان میدهیم به این کارزار بپیوندند ولی اگر کسی بخواهد بایکوت جمهوری اسلامی را با آزادی ایران از حاکمان عرب و یا از خمینی هندی الاصل - که یک گفتمان اپوزیسیون راست است - توضیح بدهد مورد نقد ما قرار میگیرد. معنی بایکوت رژیم این نیست. هدف ما از انزوی جهانی رژیم آزادی همه مردمی است که در جغرافیای سیاسی به اسم ایران زندگی میکنند هر چند از نظر تابعیت افغانستانی و عرب و یا هر ملیت دیگری باشند و این امر را به ایرانیت و اسلامیت و یا هر تابو و مقدسات دیگری گره

نمیزنیم. بنابراین ما به این کاری نداریم که اکتیویستها - اکتیویستها و نه رهبران و فعالین احزاب و نیروهای اپوزیسیون - که به حرکتی می پیوندند چه شناسنامه ای دارند و حتی یکسال قبل و ششماه قبل چه موضعی داشته اند، اگر امروز به حرکت نه به جمهوری اسلامی به معنایی که توضیح دادم پیوسته اند خوش آمده اند. اما اگر کسی بخواهد ایرانیت و ارزشهای ناسیونالیستی را وارد حرکت مردم بکند ما در مقابلش خواهیم ایستاد و همیشه ایستاده ایم. و تا آنجا که در توان داریم اجازه نمیدهیم مبارزه شفاف و صریح و مستقیم مردم علیه ظلم و تبعیض و نابرابری منحرف بشود به مبارزه ای برای ارزشهای ناسیونالیستی و انواع دیگر مقدسات و تابوهای ضد مردمی.

۱۶ مارس ۲۰۲۱

ادامه از صفحه ۳

فعالیتیمان به همین معنا علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده ایم.

کیوان جاوید: آخرین سؤال من اینست. حزب کمونیست کارگری همه نیروها اعم از راست و چپ و میانه و غیره را به مبارزه علیه جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف فرا میخواند. بعنوان مثال اعلام میکنند علیه اعدام حاضریم با همه همکاری کنیم. علیه سنگسار هم حزب همین سیاست را داشته است. حزب در دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی همه زندانیان سیاسی از چپ و راست بی قید و شرط فعالیت و مبارزه میکند. در رابطه با بایکوت جهانی جمهوری اسلامی هم همین سیاست را به پیش میبرد. آیا توضیحاتی که در این مصاحبه دادید با این سیاست متناقض نیست؟ آیا نمیشود اینطور نتیجه گرفت که به فعالی که راست است و مثلاً ناسیونالیست است و مام میهن را قبول دارد و یا تمایلات مذهبی دارد و غیره نباید فراخوان همکاری داد؟

حمید تقوائی: ببینید در مورد کارزار نه به جمهوری اسلامی هم من به اینکه امضا کنندگان بیانیه از نظر سیاسی و استراتژیک چه تمایلاتی دارند، چه فکر میکنند، راست اند و یا چپ هستند، رجوع نکردم. من به متن بیانیه رجوع کردم و گفتم تا آنجا که از نه به جمهوری اسلامی صحبت میکند این یک گرایش و میل عمیق در جامعه است و به نظر من بازتاب شعار نابود باد جمهوری اسلامی هست که در خیزش ۹۸ سر داده شد. ولی آنجا که همین بیانیه وارد میهن پرستی و غیره میشود این دیگر به بیراهه بردن همین حرکت مردم علیه جمهوری اسلامی است. همانطور که تاکید کردم اگر کسی واقعا آزادی مردم را میخواهد باید همین را بگوید و نه آزادی خاک میهن را. چون این دومی تبدیل میشود به یک تابو سازی و سیستم ارزشی برای اینکه این بار سر مردم را به اسم اهانت به مام میهن و به خطر انداختن تمامیت ارضی

ادامه از صفحه ۴

علنی نمیکنند و اسمش را تغییر داده است چون حدس میزند ممکنست یک روز یکی از مردان خانواده اش او را بکشد.

نریمان با نازنین بسیار نزدیک بود و این زن زیبارو و مهربان و با اعتماد بنفس، عاشق نازنین بود. برای مراسم او رفته پیش دوست خودش که طراح است و از او خواسته یک دسته گل کند. مخصوص برای نازنین درست کند. برایم با علاقه توضیح میدهد که مینا دسته گل ما شبیه یک پروانه است، چون نازی مثل پروانه بود سبکبال و زیبا و جذاب و وقتی دسته گل را نگاه میکنم، می بینم چقدر زیبا است و چقدر شبیه به نازنین.

کم کم دوستان از راه میرسند. بدلیل شرایط کرونایی ما می توانیم فقط بیست نفر در سالنی باشیم که مراسم در آنجا است. سالنی که ربطی به مذاهب ندارد و برای وداع با بی خدایان و آتئیست ها است. هیچ علامت مذهبی در داخل این سالن نیست.

دسته دسته دوستان آلمانی نازنین سر میرسند، هفت نفر از همکارانش که همگی جوان هستند. افراد خانواده توم، دوست پسر نازنین و دوستان دیگر نازنین و ما شش نفر از دوستان حزبی نازنین و یا دوستان او در نهاد اکس مسلم هم آنجا هستیم.

قبل از اینکه توم به ما ملحق شود، یک مرد میانسال و پسر جوانی بطرفم می آیند و از من میپرسد، مینا احدی هستی؟ میگویم بله و ادامه میدهم ما خانواده سیاسی نازنین هستیم. لبخندی میزند و تأیید میکند. میپرسد، نازنین خانواده بزرگ سیاسی داشت، اگر شرایط کرونا نبود فکر میکنی چند نفر الان اینجا بودند پاسخ میدهم حداقل ۵۰۰ نفر، با تعجب نگاه میکند و میگوید میدانستم دوستان زیادی دارد. میگوید کتاب ترا نازنین دو سال قبل به پسر من هدیه داد، و پسرش که بنظر میرسد حدود بیست و پنج سال دارد میگوید آره کتابت را

با علاقه بمن داد و گفت اینرا بخوان و اگر سوالی داشتی از خودم بپرس. میگوید نازنین چشم مرا نه فقط به دنیای نقد به مذاهب باز کرد، بلکه در مورد این دنیا و چرا مشکلات وجود دارد باز کرد و من همیشه از او متشکر هستم. با مهربانی کامل به من نگاه میکند و من فکر کنم چه احساس قشنگی است اگر کسی بگوید چشمان مرا به دنیا باز کرد و پدرش هم تأیید میکند که نازنین پسر مرا خیلی کمک کرد. سپس توم از راه میرسد، احساس میکنم سعی میکند قوی باشد، با همه سلام و علیک میکند و ما نامه یکی از برادران نازنین را که آخرین وداع با نازنین است را، نامه ای که چند عکس خانوادگی از دوران کودکی نازنین تا سفرهای مشترک خانوادگی با حضور مادر و پدر نازنین و خواهر و برادرانش را در آنجا گذاشته، چاپ کرده و با خودمان آورده ایم تا در اختیار حاضرین قرار دهیم در عین حال یک نامه از طرف ما مسئولین و فعالین اکس مسلم خطاب به نازنین را در اختیار مسئولین برنامه قرار میدهم و آنها میگویند به محض پایان مراسم یک نفر از ما در مقابل در ورودی به همه این نامه ها را خواهند داد.

ده دقیقه به ساعت دو بعد از ظهر میگویند وارد سالن بشویم. سالنی آرام زیبا و در عین حال احساس میکنم، با فضای بسیار خوب، با یک عکس زیبایی نازنین که در آنجا هست و در کمال آرامش به همه ما لبخند میزند.

نازنین خواسته بود که پیکرش را بسوزانند و بعدا او را به آغوش آید و دریا بسپارند. سالن را چنین تزئین کرده اند که تو گویی در کنار ساحل یک دریا هستیم. دسته گلهایی را که ما با خود آورده ایم در کنار عکس نازنین گذاشته اند. دسته گلی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران با یک متن کوتاه انگلیسی، ما هیچگاه ترا فراموش نخواهیم کرد.

دسته گلی از طرف دوستان و همکاران او که نوشته اند، یاد عزیز تو همواره با ما خواهد ماند

و دسته گلی از طرف دوستانش که نوشته اند، بدرود همراه با تشکر بخاطر اینکه بودی و به ما بسیار چیزها آموختی.

در سکوت و فضایی بسیار آرام، مراسم شروع میشود. توم از همه تشکر میکند و میگوید برنامه چه چیز است و ما اول فیلمی می بینیم که خانواده نازنین تهیه کرده اند. سوسن خواهرش که درد و غم از صورتش پیدا است با صدایی گرفته در مورد نازنین حرف میزند و سپس دختر او و دختران و پسران فامیل که میگویند خاله نازی عزیز و یا عمه نازی عزیز چقدر این دو هفته که نبودی دلمان برایت تنگ شده و از اینکه خاله نازی چقدر برای آنها مهم بوده حرف میزنند. یکی از آنها میگوید، نمیدانم تو خاله من بودی یا دوست من، فاصله سنی ما زیاد نبود و من عاشق تو بودم ...

به همراه پیام ها که از ته دل هست و برای افراد خانواده در عین حال بسیار دردناک تر چرا که بدلیل کرونا نمیتوانند بیایند و به نوعی از نزدیک با نازی عزیز خود وداع کنند، احساس میکنم صداها غمگین تر و غمگین تر است.

وقتی نازنین را در مراسم های عروسی خانوادگی می بینیم که چقدر سرحال است و می خندد، وقتی می بینیم چقدر محکم توم را بغل کرده و همه محبت اش به او را در یک برنامه دیدار خانوادگی نشان میدهد و وقتی ادا و اطوارهای او را می بینیم که دارد بقیه را میخنداند، از صمیم قلب فکر میکنم همه آرزو میکنیم کاش همه اینها یک خواب باشد و نازی دوباره با این سلامت و قدرت و خنده ها به ما برگردد...

در هر قسمت از حرف زدن افراد خانواده و همزمان فیلمهایی که زندگی نازی را نشان میدهند می شنوم که همه آرام گریه میکنیم. توم و نریمان و نسان و محمد شکوهی، نا سرکشکولی و حمید و سیامک و مهین از برمن و بقیه را در اطراف خودم نگاه میکنم همه اشک میریزیم...

بعد از پایان فیلمها، توم سخنرانی کوتاهی میکند، سخنرانی ای که بسیار موثر است. او بلند میشود و رو به ما کرده و میگوید ممنون از اینکه آمدید، و سپس قلبش را نشانه میگیرد و میگوید اینجا خیلی درد و غم است و من باید هنوز روی این تراژدی کار کنم... پس الان نمیتوانم از نازی برایتان بگویم، فعلا نمیتوانم هیچ چیز بگویم فقط میخواهم از شما تشکر کنم که آمدید و دیگر ادامه نمیدهد.

یکی یکی از سالن خارج میشویم و نامه ایرج برادر نازنین و نامه نهاد اکس مسلم را میگیریم و در محوطه بیرون می ایستیم. خودم آنقدر گریه کردم که حق خودم را نمیتوانستم پنهان کنم و مدتی با صدای بلند گریه میکنم.

الان در جمع دوستان نازنین هستیم. یک خانم میانسال بطرفم می آید و میگوید میخواهم با تو در مورد نازنین حرف بزنم، میگویم بفرماید میگوید راستش وقتی از مردم ایران و سپس از تشکیل سازمان اکس مسلم برایم میگفت اول نمی فهمیدم چه میگوید و نمی فهمیدم چرا این قدر این برایش مهم است، اما به مرور فهمیدم چه میگوید و اکنون یکی از طرفداران او هستم. میخواهم منم هر چه ممکنست انجام دهم. راهش را به نوعی ادامه دهم... و اشک میریزد. یک خانم و آقای مسن بطرفم می آیند، حدس میزنم مادر و پدر توم باشند. پدرش با عصا راه میرود. مادرش میگوید خانم احدی میخواهم با تو چند کلمه حرف بزنم. احساس میکنم شاید میخواهد تنها با من حرف بزند کمی از جمع فاصله میگیریم. میگوید، نازی برایم خیلی مهم بود او عضو خانواده ما بود و از تو همیشه حرف میزد اسمت را او به خانه ما آورد و همیشه این اسم در خانه بود، میخواهم به من قول بدهی که راهش را ادامه بدهی. تکان میخورم و احساس میکنم که باید حق گریه کنم. میگوید خواسته های او و پرچمی که در دستش بود نباید زمین بیفتد و ادامه میدهد میدانم شرایط برای شما سخت است میدانم که

مشکلات فراوان دارید اما بمن قول بده که ادامه میدهم. لحظه بسیار عجیب و در عین حال با شکوهی است صدایم را صاف میکنم و میگویم به شما قول میدهم که راهش را ادامه بدهم. نگاهی مهربان بمن میکند و به همسرش میگوید حالا میتوانیم برویم....

در فیلم داخل سالن هم سه نفر از دوستان آلمانی نازنین حرف زده اند که نازی چشم ما را به دنیا باز کرد و ابراز محبت به او میکنند و اینجا می بینم که مهم نیست که این افراد که در اینجا جمع شده ایم، در کجا نازی را دیده ایم، او به همه محبت، انسان دوستی، صداقت و صمیمیت و مبارزه برای زندگی بهتر را یاد داده و اینها از نازنین ممنون هستند که با آنها چنین رفتار کرده است.

ناصر کشکولی رفیق ما از من میخواهد که در بیرون سالن برای همه این مهمانان سخنرانی کنم. اول مطمئن نیستم با این صدای گرفته و اشکهایی که مدام میریزم بتوانم. اما بعدا بر خودم مسلط میشوم و میگویم حتما.

همه مهمانان در آنجا جمع میشویم و اول به زبان آلمانی کوتاه صحبت میکنم و سپس چند دقیقه هم فارسی حرف میزنم و از توم میپرسم آیا میخواهد حرف بزند میگوید نه

و ما در حالیکه مراسمی شایسته نازنین را برگزار کردیم از آنجا میرویم. همه ما یاد یک انسان بزرگ را گرامی داشته ایم. انسانی عزیز و دوست داشتنی و در عین حال انسانی که عمرش را صرف مبارزه با نابرابری و ظلم و استثمار کرده و در هر جایی که بوده تأثیرات مثبت فراوان بر جای گذاشته، در سخنرانی خودم هم گفتم، یاد نازنین همواره با ما هست. هر بار گلی زیبا می بینیم و یا تظاهراتی عظیم را شاهد هستیم و یا موزیک و رقص زیبایی می بینیم....

۱۷ مارس ۲۰۲۱

جدال بر سر دستمزد، جدال علیه

فقر و بردگی

شهلا دانشفر



”سال ۱۴۰۰ سال اتحاد همه ما کارگران برای دفاع

از زندگی و معیشتمان خواهد بود و با برافراشتن

پرچم خواست افزایش دستمزد به بالای ۱۲

میلیون در تدارک آن خواهیم بود.

سال نو بر همگی مبارک باد

کارگران غیررسمی نفت“

از بیانیه کارگران غیر رسمی نفت علیه دستمزد اعلام شده برای سال ۱۴۰۰

تعرضات هر روزه حکومتیان به زندگی و معیشتشان و احضارها و تهدیدات به از سرگیری اعتصاباتشان اخطار داده اند، در حالیکه جنبش علیه بیکاری هر روز گامی به جلو برمیدارد و شاهد تجمعات پیاپی جوانان جویای کار در شهرهای مختلف هستیم، در حالیکه مراکز کارگری در شهرهای مختلف خصوصا در این روزهای پایانی سال پر از اعتراض و مبارزه است و معلمان نیز از تدارک اعتصاب سراسری خود خبر داده اند و بالاخره در حالیکه بازنشستگان همچنان پیگیر خواستها و مطالباتشان هستند و با شعار تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم عزم خود را برای ادامه اعتراضاتشان اعلام کرده اند، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، جنبشی است که حلقه اتحاد همه این بخش های کارگری به یکدیگر است.

این روندی است که جامعه پرشتاب بسوی آن در حرکت است. این روند رفتن بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری است. و این روندی است که سال ۱۴۰۰ را به سال داغ کارگری علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر تبدیل میکند. و این جامعه ای است که فریاد اعتراضش به تبعیض و نابرابری و فقر و توحش بلند است و انسانیت را فریاد میزند. و همه اینها بیانگر قرار گرفتن انقلابی کارگری در چشم انداز نزدیک جامعه است.

این جنبش هستند و این صف آرایی از مدتها قبل شکل گرفته است. و این صف ۹۹ درصدی های جامعه است.

زیر فشار و قدرت این جنبش است که همین الان چند روز گذشته از تصمیم شورایی کار مقامات مختلف دست اندر کار حکومتی اندر باب اینکه با این رقم به هیچ وجه نیشود زندگی کرد صحبت کرده و نهیب زندهایشان به یکدیگر آغاز شده است. از جمله شریعی وزیر کار جمهوری اسلامی در گفتگویی با روزنامه شرق ناگزیر میشود اذعان کند که در تهران حتی با ۶ میلیون نیز نمیشود زندگی کرد و در اظهاراتی از این دست دارند یکدیگر را به مواخذه میکشند که چگونه میشود با این مزد زندگی گذراند. بدین ترتیب صف حکومتیان در هراس از ”شورش گرسنگان“ بشدت در هم ریخته است.

به عبارت روشنتر در حالیکه حکومت تلاش میکند که بار بحران اقتصاد ورشکسته اش را هر چه بیشتر به دوش کارگران و کل جامعه خراب کند و به بساط چپاول و دزدی هایش دوام بخشد، کارگران و کل جامعه ایستاده اند و میگویند اجازه نمیدهند.

در متن چنین شرایطی در حالیکه هزاران کارگر غیر رسمی نفت اولتیماتوم به از سرگیری اعتصاباتشان داده و بخش های رسمی نفت نیز در التهاب است، در حالیکه جدال در نیشکر هفت تپه ادامه دارد و کارگران بخاطر خلف وعده ها و

فلاتکبار معیشتی خود اعلام کرده بودند که راهی جز اعتصاب برای آنان نمانده و بر خواست افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تاکید کرده بودند. کارگران نیشکر هفت تپه نیز انزجار خود را نسبت به تصمیم شورایی کار اعلام کرده اند. همچنین تشکلهای مختلف کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان فلزکارمکانیک و انجمن برق و فلز کرمانشاه صدای اعتراض خود را به این تصمیم جنایتکارانه حکومت بلند کرده اند. و اینها از جمله همان ۳۴ گروه و تشکل کارگری هستند که قبلا هم بیانیه داده و پرچم افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون را برافراشته بودند. فولاد اهواز هم قبلا بر همین خواست تاکید کرده بود. و در کنار همه اینها بازنشستگان تامین اجتماعی قرار دارند که در تجمعات اعتراضی خود که از آذر ماه تا کنون هر هفته برگزار شده است، افزایش حقوقها به بالای دوازده میلیون را فریاد زده و بر برچیده شدن حقوق های نجومی، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و بر درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن به عنوان حقوق مسلم همه مردم تاکید کرده اند. این چنین است که جدالی سخت بر سر مزد در سطح جامعه جاریست و کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش عظیمی از مزدبگیران جامعه نیروی

سوم خط فقر. کمیته کذایی مزدشان در همین نشست های نمایشی تعیین مزد برای سال آتی نرخ سبد هزینه را شش میلیون و هشتصد و ۹۵ هزار تومان اعلام کرده بود که نصف سبد هزینه واقعی است و دستمزدی که تعیین کرده اند به همین حد دروغین هم نمیرسد. تجمع هفده اسفند بازنشستگان و گروههای مختلفی از کارگران و معلمان و فعالین اجتماعی در اعتراض به همین رقم دروغین و ادعایی است در حالیکه رقم های اعلام شده قبلی خود حکومتیان یعنی ۱۲ میلیون بوده است.

حرف اصلی کارگران اینست که اعتراض آنها نه فقط به زندگی زیر خط فقر بلکه به تبعیض ها و نابرابری ها و به کل این بساط توحش بربریت است. کارگران در اعتراضاتشان همواره بر بی اعتباری شورایی کار و تمامی تصمیماتش تاکید گذاشته و با متحد شدن حول خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون صف متحدی از اعتراض و مبارزه را شکل داده اند.

از جمله بدنبال اعلام حداقل دستمزد چندین بار زیر خط فقر از سوی شورایی کار در همین مدت کوتاه موجی از اعتراض در میان کارگران و بخش های مختلف کارگری به راه افتاده است و هزاران کارگر غیر رسمی نفت پیشتاز این حرکت اعتراضی بوده و با صدور بیانیه ای اعلام داشتند که سال ۱۴۰۰، سال اعتراض کارگران علیه دستمزدهای فقیرانه است. این کارگران قبلا نیز با اشاره به وضعیت

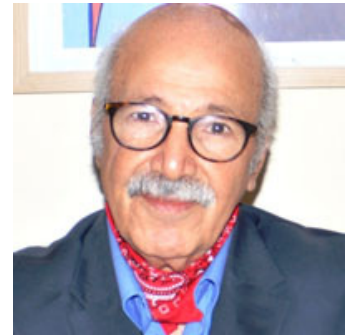
شورایی کار جمهوری اسلامی در این روزهای آخر سال ۹۹ میزان حداقل دستمزد را ۲۶۵۵۰۰۰ تومان اعلام کرد. یعنی طبق معمول چندین بار زیر خط فقر. این تصمیم جنایتکارانه بطور واقعی اعلان جنگی به کارگران و کل جامعه است. این تصمیم ۲۶ میلیون کارگر زیر پوشش قانون کار و هزاران کارگر دیگر که حداقل مزد مبنایی برای دریافتی هایشان است را در بر میگیرد و یورش دیگری در جهت رسمی کردن فقر و گرسنگی و بی خانمانی و فلاکت علیه کل جامعه است. جمهوری اسلامی با تعیین این مزد ناچیز و فقیرانه دارد اعتراف میکند که رهایی کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و بخشهای کارکن جامعه از فقر کمر شکن تنها با سرنگونی این حکومت امکان پذیر است.

در مقابل این تصمیم جنایتکارانه بخش های مختلف کارگری به صف شده و دارند با اولتیماتوم دادن هایشان به جلو گام برمیدارند. بدون تردید روزهای آتی روزهای پرجنب و جوش و داغی در مبارزه بر سر دستمزد خواهد بود.

ادعای حکومتیان اینست که دستمزدها افزایش ۳۹ درصدی داشته است. جنجال به راه انداخته اند که سقف این دستمزد با مخلفات دیگر چون حق اولاد، حق مسکن، حق بن و غیره به چهار میلیون و دویست هزار میرسد. حتی اگر این استدلال را هم قبول کنیم باز در مقایسه با خط فقر ۱۲ میلیونی که این هنوز یعنی یک

جامعه طبقاتی، دولت و انقلاب

اجتماعی
کاظم نیکخواه



زمین دار و فئودال و اشرافیت،
یا سرمایه دار و صاحب سرمایه
بر اکثریت مردم سلطه یافتند.

۱ - جامعه طبقاتی

اگر به این سوال فکر کنید که چرا اساسا و از ابتدا جامعه انسانی شکل گرفته است، در پاسخ به این سوال فوراً به این جواب میرسید که جامعه تشکیل شده چونکه بشر موجودی اجتماعی است و در تنهایی نمیتواند زندگی کند. این پایه و اساس ایجاد جوامع بشری است. یعنی جوامع بشری از ابتدا بخاطر نیازهای انسانی و برای پاسخ به نیازهای انسانها شکل گرفتند. و جوامع اولیه بشری یا کمونهای اولیه اینگونه بودند. (طبعاً تا حدی که بشر اولیه نمیتوانست درک و شعور این امر را داشته باشد.)

اما درست همزمان با اینکه قدرت تولیدی بشر رشد کرد و انسانها توانستند بیش از نیاز روزمره خودشان یعنی غذا و پوشاک تولید کنند و ذخیره معنی پیدا کرد؛ یک عده ای هم پیدا شدند که هدفشان را تصاحب محصولات مازاد دیگران قرار دادند. یعنی کارشان تصاحب عدوانی یا با زور و قلدری محصولات مازاد اجتماعی بود. نه فقط تصاحب محصولات مازاد دیگران بلکه تصاحب خود آمدهها بعنوان برده و استثمار آنها در شرایطی غیر قابل تحمل. این ساده ترین توضیح ایجاد طبقات استثمارگر و استثمار شونده است. یعنی توضیح آن روند غیر انسانی ای است که شکل گرفت و نتیجه آن جوامع طبقاتی بود. جوامعی که یک اقلیت بنام روسای قبایل یا برده دار، یا

حاکم شد. سیستمهای برده داری، فئودالی و زمین داری و سرمایه داری بر این اساس شکل گرفتند. در برخی جوامع و در مقاطعی از تاریخ ترکیبی از همه این سیستمهای طبقاتی را میشود مشاهده کرد. مثلاً در جاهایی زمین داری و برده داری پایایی هم پیش رفته اند. یا سرمایه داری و فئودالیسم سالها با هم همزیستی داشته اند. اینکه آیا میشد تاریخ بشر روال دیگری پیدا کند و به این شکل دردناک و استثمارگرانه و جنایتکارانه نباشد بحث دیگری است که اینجا موضوع بحث ما نیست.

۲ - امکان عینی برای تغییر

ما کمونیستها حرف اساسی مان بطور خلاصه اینست که این سیستم های طبقاتی سرنوشت گریز ناپذیر بشر نیست و نباید باشد. بقول منصور حکمت اساس سوسیالیسم و کمونیسم انسان است. بشر باید خود را از تبعیضات و زورگوییهای اجتماعی خلاص کند و مبارزه طبقاتی دائمی ای برای رهایی جریان داشته و دارد. آنچه ما بویژه نشان میدهیم اینست که در جامعه سرمایه داری بشر میتواند و این امکان و شرایط را بطور عینی بدست آورده است که بتواند به این دورانیهای طبقاتی پایان دهد.

برده ها مدام علیه برده داران شورش و مبارزه کرده اند و نتوانستند وضع را عوض کنند. دهقانان و سرفها همینطور. اما سرمایه داری سیستمی است که بقول مارکس هم دچار تناقض مهلک است و هم گورکنان خودش را پرورش داده. تولید سرمایه داری یک طبقه کارگر را ایجاد کرده که کاملاً و بطور عینی موجودیت یک طبقه واحد و متحد را دارد و هم گلوگاه سرمایه داری را در چنگال خودش دارد و میتواند با حرکت متحدانه خودش کل این سیستم را فلج کند و متلاشی کند و جامعه را از نو بسازد.

همانگونه که اشاره کردم جامعه انسانی آنگونه که بشر اساساً آرزویش را دارد و برای آن دور هم جمع شده، جامعه ای بدون

طبقات است. بدون بالا دست و فرودست. بدون ستمگر و ستمکش. بدون استثمار کننده و استثمار شونده. هرکس به اندازه توانش کار میکند و به اندازه نیازش بدست می آورد. اینها نه خیالپردازی است و نه غیر واقعیه. واقعا کدام انسان است که آرزویش زندگی کردن در چنین جامعه ای منعطف و باز و آزاد نباشد؟ قطعاً و بدون تردید ۹۹ درصد مردم جهان عمیقاً و با تمام وجود آرزو میکنند در چنین جامعه ای زندگی کنند. آرزو دارند هر روز بدون ترس و نگرانی از زندان و سرکوب و فقر و جنگ از خواب بیدار شوند و به کارهایی که دوست دارند بپردازند و در فضایی از مهر و محبت و شادی و رفاه در کنار دیگران در موقعیتی برابر زندگی کنند. این در واقع احساس و فکر و آرزوی طبیعی بشر است. یعنی کمونیسم از خود انسانیت انسانها سر چشمه میگیرد و اختراع ما یا مارکس یا کمونیستها نیست. یک امر عینی و انسانی است.

و مانعی که سر راه آن وجود دارد همان اقلیت استثمارگر حاکم است و نه هیچ چیز دیگری. ثروت و امکانات و علم و تجربه و همه پیش شرطها برای آن وجود دارد و باید مقاومت آن اقلیت را کنار زد تا بشود آنرا عملی کرد.

۳ - دولت ابزار سرکوب طبقاتی

مهمترین و اساسی ترین ابزار تداوم حاکمیت اقلیت سلطه گر، دولت است. دولت برخلاف آنچه تبلیغ میکنند، ابزاری برای دفاع از مردم و شهروندان نیست. بلکه ابزاری در برابر آنهاست. ابزاری است برای سرکوب اکثریت مردم و مقابله با اعتراض و مبارزه و انقلاب فرودستان. و اساساً برای همین کار درست شده. کارکرد اصلی پلیس و ارتش و دادگاه و زندان در همه جا حتی در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری اساساً همین است. شعار مدافعان نظامهای موجود "نظم و قانون" است. نظم یعنی همان سیستم نابرابری که به یک اقلیت امکان میدهد بخش اعظم ثروتها را در اختیار

بگیرد. و قانون یعنی ضوابط و امر و نهی هایی که برای حفظ این سیستم تعریف شده است.

میدانیم که مدافعان سیستم موجود به وجود دزدی و قتل و دیگر جرمها و جنایات در جوامع اشاره میکنند و دولت و قانون و زندان را در خدمت مقابله با این جرائم قلمداد میکنند. اما کمی کنکاش در ریشه همه جرائم این را بروشنی به هرکسی نشان میدهد که تمام جرائم و جنایات عوارض و دملهای چرکین همین نظام نابرابر و ناعادلانه هستند. جامعه بیمار، مدام در درون خود بیماری تولید میکند. از جمله قتل و جنایت و دزدی و اعتیاد و امثال اینها. آموزش اصلی این جامعه اینست که برای خوشبختی باید با دیگران مدام رقابت کنی و پایت را بر شانه دیگران بگذاری و بالا بروی. بعلاوه کارکرد اصلی دولت مقابله با این جرائم نیست. بلکه مقابله با شورشها و خیزشها و اعتراضات و اعتصابات و مبارزات اکثریت مردم علیه اقلیت حاکم است. و نه چیز دیگری.

۴ - مبارزه طبقاتی و انقلاب

سوال اینست که آن اکثریت تحت ستم برای دفاع از زندگی خویش و خلاصی از این وضعیت ناهنجار که بر او حاکم کرده اند چه ابزاری در اختیار دارد؟ جواب این سوال مبارزه است. مبارزه طبقاتی با طبقه ستمگر و استثمارگر. و اوج این مبارزه انقلاب است. درست است که طبقه حاکم ارتش و پلیس و زندان و نیروی سرکوب را در اختیار دارد. اما تجربیات تاریخی نشان داده که وقتی که اکثریت مردم دست به مبارزه و انقلاب میزنند کل این دستگاه و سیستم سرکوب را میتوانند در هم بشکنند.

یک نکته هم که باید اشاره کنیم و مهم است اینست که مبارزه طبقاتی یک واقعیت اجتماعی است. با آموزش و ارشاد و نصیحت و آگاهی شروع نمیشود. همانطور که در مانیفست تاکید شده تاریخ

ادامه از صفحه ۷

همه جوامع طبقاتی تاریخ مبارزه طبقاتی است. از همان لحظه اولی که جامعه طبقاتی شکل میگیرد مبارزه طبقاتی نیز همراه با آن در اشکال بسیار متنوعی شروع میشود و بسته به شرایط نشو و نما می یابد. مبارزه طبقاتی در مقطعی از تکامل و رشد و گسترش خود به شورش و انقلاب می انجامد. یعنی حرکت همزمان بخش قابل توجهی از مردم برای به زیر کشیدن حاکمین و در دست گرفتن زمام امور.

انقلاب یعنی تحول از پایین و با قدرت توده مردم. انقلاب یعنی خیزش توده ای برای به زیر کشیدن حکومت. مبارزه طبقاتی در نقطه ای از رشد و بالندگی خود به شورش مردمی و انقلاب منجر میشود. یعنی بخش قابل توجهی از اکثریت فرودست بطور همزمان در ابعاد وسیع و میلیونی بپا میخیزد و تلاش میکند اقلیت حاکم را از راس جامعه به زیر بکشد و به سلطه آن پایان دهد.

نکته ای که میخواهیم تاکید کنیم و بسیار مهم و کلیدی است، اینست که آن توده اکثریت تحت ستم و استثمار، ابزاری بدون مبارزه جمعی و انقلاب برای خلاصی از حاکمیت سیستم استثمار و استثمارگری در دست ندارد. چند صد سال است سرمایه داری بر جهان حاکم شده و تمام تلاش کارگران برای بهبود شرایط زندگی خویش با قتل و زندان و دستگیری و سرکوب مواجه شده است. دموکراتیک ترین جوامع سرمایه داری تاریخی که پشت سر خود دارند، تاریخ جنگ و جدالهای حاد و دردناک طبقاتی است و که نهایتا با انقلابات و قیامهای توده ای کارگران و مردم محروم، عقب نشینی هایی را به دولتها و سرمایه داران تحمیل کرده اند. آن جریانات و نظریه پردازانی که علیه نفس انقلاب موضع میگیرند و انقلاب را تقیب می کنند یا آنرا با خشونت برابر میگیرند، شهادان و مدافعان رنگارنگ نظام های طبقاتی موجود و بطور مشخص سرمایه داری حاکم هستند. وقتی که ارتش و

پلیس و زندان و سرکوب و زور و قانون و دادگاهها همه برای در انقیاد نگه داشتن اکثریت مردم حدادی شده اند و علیه اکثریت بکار میروند، روشن است که نمیتوان بدون زور، بدون مبارزه و بدون انقلاب گامی به جلو برداشت. به همین دلیل انقلاب یکی از واژه های کلیدی در قاموس کمونیسم است. انقلاب برای کسب قدرت سیاسی. انقلاب برای پایان دادن به نظم و مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه! تک تک این کلمات مهم و حیاتی اند. باید انقلاب کرد و باید قدرت سیاسی یعنی دولت و حاکمیت را از دست اقلیت که اکنون سرمایه داران هستند بیرون کشید. تا بشود به مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه پایان داد. مطلقا هیچ راه دیگری جز این وجود ندارد.

بی دلیل نیست که شمار سیاستمداران و نظریه پردازان و "روشنفکران" و کسانی که علیه انقلاب تبلیغ میکنند، بسیار است. حاکمین باید و ناچارند راه انقلاب را سد کنند و یکی از راههای سد کردن انقلاب اینست که نفس انقلاب کردن تخطئه شود. و در این زمینه دانشگاهها و کتابها و مقالات و تبلیغات بسیار به جریان افتاده است. تلاش میکنند انقلاب را برابر با خشونت قلمداد کنند. تلاش میکنند انقلاب را به احزاب و گروههای افراطی نسبت دهند. تلاش میکنند مردم را از انقلاب زده کنند.

اما هیچکدام از اینها مانع به جریان افتادن انقلابات نشده اند و نخواهند شد. زیرا همانگونه که از نظرات مارکس نتیجه میشود انقلاب یک پدیده عینی است. نه با آگاهی و نقشه از پیشی شروع میشود و نه با نقشه و ضد اطلاعات و ضد آگاهی میتوان مانع آن شد.

اینکه انقلابات چه روند و طول و عرض و اشکالی بخود میگیرند بحث دیگری است. ممکن است انقلاب با یک قیام یک روزه پیروز شود. ممکن است ماهها جدال و جنگ و شورش و خیزش ادامه یابد.

ممکن است طبقه حاکم با یک اعتصاب عمومی و تظاهرات و راهپیمایی توده ای از هم بپاشد و قدرت را به مردم واگذار کند. همه اینها بستگی به شرایط دارد. فاکتورهای زیادی در این انقلابات چه اشکال و ابعاد و روندی بخود بگیرند تاثیر دارند. اما ویژگی مشترک همه این انقلابات متنوع و رنگارنگ، اعمال زور و قدرت توده ای علیه حاکمین است.

یک نکته را هم اشاره کنیم که این درست است که انقلاب یک پدیده عینی است اما اهداف انقلاب بستگی به رهبری انقلاب دارد. انقلاب ممکن است با به زیر کشیدن حکومت و جابجا کردن حکومت متوقف شود. یعنی مردمی که انقلاب کرده اند تصور کنند یا باور کنند که مشکل فقط حکومت و دولت موجود بوده و نه کل سیستم و مناسبات موجود. در این صورت یک انقلاب سیاسی صورت میگیرد.

در عین حال ممکن است انقلاب دست به ریشه برد. امتیازات طبقاتی را مورد تعرض قرار دهد. روابط اقتصادی و توزیع ثروت و بوروکراسی و ارتش و کل نظم موجود را زیر و رو کند و جامعه را روی روال دیگری بیندازد. به این میگویند انقلاب اجتماعی. انقلابی برای تغییر کل روبنای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه.

۵ - بستر کمونیسم سرمایه داری است

تا اینجا از ویژگیهای اوضاع اجتماعی در جوامع طبقاتی و انقلاب بطور کلی سخن گفتیم و به نظام موجود حاکم در دنیا یعنی سرمایه داری و مبارزه طبقه کارگر فقط اشاراتی داشتیم و بطور تفصیلی به خصوصیات مبارزه طبقاتی در این نظام نپرداختیم. کمونیسم از دل جامعه سرمایه داری سر بر آورده است. بدون سرمایه داری و طبقه کارگر جنبش کمونیستی یا بهتر است بگوییم کمونیسم علمی نمیتوانست پا بگیرد. کمونیسم یک آرزو نیست. یا فقط یک آرزو نیست.

بلکه یک چشم انداز و افق عینی و واقعی و عملی و علمی است که از دل سیستم سرمایه داری شکل گرفته. سرمایه داری از این زاویه دو ویژگی دارد. یکی اینکه دچار تناقضات درونی است. سیستم سود دچار تناقض است. رقابت بخشهای مختلف سرمایه مدام در این سیستم بحران سازی میکند. جهانی شدن سرمایه با سیستم ملی و مرزهای میلی دچار تناقضات و تضادهای جدی ای هست. و به این دلایل و دلایل دیگر سرمایه داری مدام دچار بحرانهای جدی و عمیق میشود. و از دل هر بحرانی نسبت به قبل ضعیفتر بیرون می آید. ویژگی دیگر سرمایه داری که بسیار مهم است اینست که طبقه ای را شکل میدهد طبقه کارگر که بطور واقعی و عینی یک طبقه واحد است. از نظر عینی همبسته است. وابستگی تولید در کشورها و مناطق مختلف و رشته های مختلف تولید به کارگران ویژگی یک طبقه واحد را میدهد. هیچ طبقه ای مثل طبقه کارگر این همبستگی عینی طبقاتی را ندارد که بخشهای مختلفش به هم وابسته باشند. و این طبقه بطور عینی این امکان را دارد که به انقلابی همه جانبه و ریشه ای دست زند و به بر پای یک جامعه انسانی و بدون ستم و استثمار بطور واقعی تحقق بخشد.

نتیجه ای که در آخر میگیریم اینست که کمونیسم علمی محصول سرمایه داری است و از دل سرمایه داری رشد کرده و جلو آمده و مدام جلوتر می آید. نکته دیگر اینکه کمونیسم جنبشی مربوط به طبقه کارگر است و با مصالح و منافع طبقه کارگر گره خورده است. و بالاخره طبقه کارگر فقط با انقلاب میتواند خودش و جامعه را از ستم و استثمار خلاص کند. و بالاخره انقلاب کمونیستی به طبقات و سیستم طبقاتی پایان میدهد و به این دلیل دولت هم در این سیستم نیاز و ضرورت وجودیش را از دست میدهد.

ادامه پیام نوروزی حمید تقوایی از صفحه ۱

سال گذشته همچنین سال پیشرویهایی جنبش رهانی زن بود. بویژه هشت مارس یک نمونه درخشان و بیسابقه از اوجگیری این جنبش بود. روز جهانی زن در ایران به یک جشن سراسری تبدیل شد و مردم در سطح گسترده ای این روز را به یکدیگر تبریک می گفتند و علیه زن ستیزی جمهوری اسلامی صدای اعتراضشان را بلند میکردند.

و بالاخره باید سال گذشته را سال یک رفراندوم بین المللی علیه اعدام در ایران نامید. حول پرونده و حکم اعدام نوید افکاری، که متأسفانه جانان حاکم بالاخره او را اعدام کردند، یک حرکت جهانی شکل گرفت، طوفانی بپا شد و در تویتر و در مدیای اجتماعی صدها میلیون نفر همبستگی خودشان را با مردم ایران اعلام داشتند، به مجازات اعدام در ایران اعتراض کردند و جمهوری اسلامی را محکوم کردند. و این اتفاق بیسابقه ای در پیشرویهایی جنبش علیه اعدام در ایران بود.

من تردید ندارم که در سالی که در پیش رو داریم اعتراضات و مبارزات علیه این حکومت انجامد و رکود و عقب ماندگی قرون وسطانی بیش از پیش به پیش خواهد رفت و سنگرهای تازه ای را فتح خواهد کرد. این مبارزه ای است که تا بزرگترین رژیم جانی حاکم از پای نخواهد نشست.

یک بار دیگر نوروز و سال نو را به همه شما تبریک میگویم و برای همه مردم ایران سالی سرشار از شادی و بهروزی و سلامتی و موفقیت را آرزو مندم.

حمید تقوایی
۲۸ اسفند ۱۳۹۹

سخنرانی انگلس هنگام به خاکسپاری مارکس



سخنرانی انگلس در مورد

مارکس

سخنرانی فریدریش انگلس در کنار
گور مارکس، گورستان های گیت،
لندن، ۱۷ مارس ۱۸۸۳

۱۴ مارس، یک ربع به ساعت ۳ بعدازظهر، بزرگترین اندیشمند روزگار ما از اندیشیدن باز ایستاد. فقط دو دقیقه او را تنها گذاشته بودیم، همینکه به اتاق آمدیم، دیدیم که آرام روی صندلی خوابیده است. اما این بار برای همیشه. مرگ این مرد چنان ضایعه‌ای برای پرولتاریای رزمنده اروپا و آمریکا و برای تاریخ علوم است که ابعادش غیر قابل اندازه‌گیری است. جای خالی‌ئی که با رفتن این روح پُر عظمت بوجود آمده است بزودی زود همه‌جا احساس خواهد شد.

همانطور که داروین به قانون تکامل جهان ارگانیک و موجودات زنده پی بُرد، مارکس هم قانون تکامل تاریخ بشر را کشف کرد. این حقیقت ساده را که تا قبل از او در زیر کوهی از ایدئولوژی پنهان شده بود، این حقیقت که بشر پیش از آنکه بتواند به سیاست، دانش، هنر، دین و جز اینها بپردازد، باید بخورد، بیاشامد، سرپناه و پوشاک و غیره داشته باشد؛ این که بنابراین تولید وسایل مبرم مادی، و نتیجتاً میزان رشد اقتصادی کسب شده توسط هر مردم معین یا در هر دوره معین، آن زیربنایی را تشکیل می‌دهد که بر روی آن، دولت، مفاهیم حقوقی، هنر و حتی نظرات آن مردم در مورد مذهب تکامل پیدا کرده‌اند... و در پرتو این نور است که باید همه اینها را تبیین کرد، نه برعکس، آنچنان تا حال شده است.

اما این همه‌اش نیست. مارکس قانون ویژه حرکت ناظر بر شیوه تولید سرمایه‌داری عصر حاضر و آن جامعه بورژوازی که زاده این شیوه تولید است را هم کشف کرد. کشف ارزش اضافه، ناگهان مسئله‌ای را روشن کرد که هم اقتصاددانان بورژوا و هم منتقدین سوسیالیستی که در صدد حلش بودند در تمام بررسی‌های قبلی، در تاریکی کورمالی‌اش می‌کردند.

دو کشف این چنینی برای یک عمر کافی است. خوشبخت آن

که نائل آمدن به حتی یکی از این کشفیات نصیبش شود. اما در هر زمینه‌ای که مارکس به تحقیق پرداخت - و او در زمینه‌های بسیار متعددی تحقیق کرد، که هیچکدامشان ساده نبودند - در همه زمینه‌ها، حتی در ریاضیات، به کشفیات مستقلی نائل شد.

چنین بود این مرد دانش. اما این هنوز حتی نیمی از وصف او نیست. دانش برای مارکس نیرویی بلحاظ تاریخی پویا و انقلابی بود. گرچه برای او هر کشف جدید در این یا آن عرصه از دانش تئوریک که شاید هنوز هم کاربردهایش بتمامی قابل تصور نبود خشنودی فراوانی به‌مراه داشت، وقتی کشفیات تأثیری فوری و انقلابی بر صنایع، و بر تکامل تاریخی در کل می‌گذاشتند، شعفی از نوعی کاملاً متفاوت احساس

می‌کرد. بعنوان مثال، او از نزدیک پیشرفت‌ها و اکتشافات حاصله در زمینه الکتریسیته را دنبال می‌کرد و در این اواخر بخصوص کارهای مارسل دپره را.

برای اینکه مارکس بیش از هر چیز دیگر یک انقلابی بود. ماموریت واقعیش در زندگی این بود که از هر طریق به سرنگون کردن جامعه سرمایه‌داری و نهادهای دولتی مخلوقش مدد برساند، به آزادی و رهایی پرولتاریا کمک برساند، که او خود اولین بانی وقوفش بر وضعیت و نیازهایش، و آگاهی‌اش بر شرایط رهایی‌اش بود. مبارزه خوی او بود. با چنان شور، با چنان سرسختی و با چنان کامیابی مبارزه کرد، که کمتر کسی با او رقابت می‌کند.

از هم ربودند.

همه اینها را او همچون تار عنکبوت کنار می‌زد، نادیده می‌گرفت، و تنها زمانی پاسخ می‌داد که ضرورتی فوق‌العاده مجبورش می‌کرد. و او مُرد در حالی که میلیون‌ها کارگر انقلابی هم‌رزمش - از معادن سیبری تا کالیفرنیا، در همه بخش‌های اروپا و آمریکا، از صمیم قلب دوستش دارند، خالصانه به او احترام می‌گذارند و در فقدانش سوگواری می‌کنند - و در فقدانش سوگواری می‌کنند، اما من به جرئت ادعا می‌کنم که بعید است حتی یک دشمن شخصی داشته باشد.

نام او قرن‌ها دوام خواهد آورد، و کارش هم چنین خواهد بود.

گورستان های گیت، لندن،
۱۷ مارس ۱۸۸۳.

چهارشنبه سوری ۱۳۹۹، جمهوری اسلامی در محاصره خشم و شادی جوانان!



می‌دهد که طی یک سال گذشته میان جمهوری اسلامی و مردم در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره سراسر جاری بوده است؛ و از سوی دیگر به مناسبت فرارسیدن سال جدید، عزم جزم جامعه ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و پایان دادن به عامل تمامی محرومیتها، فقر و فلاکت موجود را نوید می‌دهد.

سازمان جوانان کمونیست
۲۸ اسفند ۱۳۹۹
۱۸ مارس ۲۰۲۱

مشهد و برخی دیگر مناطق کشور، مراسم چهارشنبه سوری با حضور و تجمعات محسوس برگزار شده است. در عموم شهرهای نامبرده شاهد تجمع جوانان، پخش موزیک بلند و رقصیدن دختران و پسران جوان در خیابانها بودیم.

برگزاری یک چهارشنبه سوری شاد و سرنگونی طلبانه ای در روزهای پایانی سال ۹۹، آن هم در شرایط و محدودیتهای خاصی که به آنها اشاره کردیم؛ از یکسو شدت جدالی را نشان

و رقص و موزیک و شادی، آن هم با حضور گسترده زنان در همه این تجمعات، فرهنگ عقیمانده، زن ستیز و ضد شادی حکومت اسلامی را مورد اعتراض قرار داده و تصویری کاملا مدرن از جوانان جامعه ایران ارائه دهند.

بنا به گزارشات و تصاویری که در شبکه های اجتماعی وسیعا پخش شد، در شهرهایی نظیر ساوه، رشت، تهران، خمینی شهر، کرج، اردبیل، شیراز، سنندج، دزفول، مهاباد، ارومیه، دزفول، زاهدان، قم،

شد. در حالی که شیوع کرونا و

وضعیت قرمز تعداد کثیری از مناطق کشور محدودیت های تردد و تجمع بسیاری ایجاد کرده؛ در شرایطی که معضلات عدیده معیشتی بار بسیار سنگین و سختی را روی دوش شهروندان گذاشته؛ همچنین در اوضاعی که جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را می کند که فضای جامعه را به سرکوب کشاند؛ باز هم در ۲۶ اسفندماه ۱۳۹۹ شاهد بودیم که مراسم چهارشنبه سوری سرنگونی طلبانه ای توسط جوانان در سراسر کشور برگزار

چهارشنبه سوری سرنگونی طلبانه، رادیکال و علیه جمهوری اسلامی؛ اول به معنای سیاسی دقیق کلمه که در این روز جوانان و نوجوانان بالن آرزوهایی منقش به "نه به جمهوری اسلامی" به هوا فرستادند، درب پایگاه بسیج را به آتش کشیدند، فریاد زدند "ما آزادی می خواهیم"، "جمهوری اسلامی نمی خواهیم" و "نه به جمهوری اسلامی". دوم به این معنا که جوانان با برگزاری برپایی بساط جشن

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس

تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv

nctv.tamas@gmail.com



تماس با ما در تلگرام و سیگنال 0046739681438



از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

آتنا دائمی با دستبند و پابند به زندان لاکان رشت منتقل شد!



آتنا دائمی، روز سه‌شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۹، با پابند و دستبند به زندان لاکان در رشت تبعید شد. انسیه دائمی، خواهر آتنا، در همین رابطه و در صفحه توئیتری خود نوشت: «اقتداری خود را از سربازان حکومت جمهوری اسلامی ایران، آتنا دائمی شب گذشته با پابند و دستبند در زندان اوین جمهوری اسلامی بازداشت شد و به زندان لاکان رشت تبعید شد. برای نشان دادن اقتدار بیشتر تماس تلفنی او را نیز قطع کرده‌اند و وسایل شخصیش را هم تحویل نگرفتند.»

تبعید و انتقال پی در پی زندانیان سیاسی به زندان شهرهای مختلف، تنها از این جهت صورت می‌پذیرد که جمهوری اسلامی می‌خواهد این زندانیان و خانواده‌هایشان را تحت فشارهای بیشتری قرار دهد. این سیاست حکومت اسلامی محکوم است و مورد اعتراض همه‌انسانهای آزادیخواه ایران است.

تبعید زندانیان سیاسی از تهران به سایر شهرستان‌ها در ماه‌های اخیر شدت بیشتری یافته است؛ مریم اکبری منفرد و سپیده قلیان از بندزنان زندان اوین به ترتیب به زندان‌های سمنان و بوشهر تبعید شده؛ ۵ بهمن‌ماه نیز گلرخ ایرایی، زندانی سیاسی از زندان قرچک ورامین به زندان آمل تبعید شد. در آذرماه هم سپیده فرمان و مژگان کشاورز از بند سیاسی زنان

**FREE
ATENA DAEMI**

#BOYCOTTIRANREGIME

انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است
Telegram, Signal 0046739681438

فرارسیدن بهار و سال ۱۴۰۰ را به مردم ایران و به شما زندانیان سیاسی و خانواده‌های زندانیان و جانبختگان تبریک می‌گوییم.

امسال مردم در حالی به پیشواز سال جدید می‌روند که فقر، محرومیت، گرانه و بیکاری بیش از پیش بیداد میکند. خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانبختگان امسال نیز از حق اینکه سال نو را با عزیزانشان جشن بگیرند محروم هستند. امسال کودکان بسیاری هستند که به جای شادی و زیبایی دوران عید، غم دوری و یا نداشتن پدر و یا مادرشان را تجربه میکنند. سال جدید در عین حال یادآور ۴۲ سال است که مردم ایران، زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان امید به یک دنیای بهتر را با اعتراضات زنده نگه داشتند. سال جدید یادآور همبستگی، همدردی و حمایت مردم از همدیگر است. با قلبی پر امید، صدای معترضتر، قدرتی عظیمتر به پیشواز سال جدید می‌رویم. به امید سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی تمام زندانیان سیاسی.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۲۶ اسفند ۱۳۹۹ برابر با ۱۶ مارس

ادامه از مدیای اجتماعی حزب

درمورد مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی نامه ۱۴ زن سیاسی



زندان قرچک ورامین خبر داد. همچنین پیشتر نیز در تاریخ ۳۰ مهرماه یاسمن آریانی و مادرش منیره عربشاهی از زندان اوین به زندان کجویی کرج و سمانه نوروز مرادی به زندان لاکان رشت منتقل شدند. به علاوه طی روزهای ۲۹ مهرماه تا ۱۷ آبان ماه نیز نسرين ستوده و مریم ابراهیم وند به زندان قرچک ورامین و سکینه پروانه به زندان قوچان فرستاده شدند.

انتقال تعدادی از این زندانیان بدون اطلاع قبلی و به صورت ناگهانی صورت گرفته بود. همچنین این شهروندان در زمان انتقال از بردن وسایل خود به ویژه در روزهای آغاز فصل سرما و نیاز به لباس های گرم محروم بوده اند. طی ماه های اخیر مسئولان زندان اوین و سازمان زندان ها چندین بار با حضور در بند، با زندانیان صحبت کرده اند که در یکی از این موارد، معاون قضایی زندان اوین ضمن سلب مسئولیت از خود اعلام کرد که این انتقال ها با دستور نهادهای دیگری صورت گرفته است و آنان تنها نقش اجرا کننده در این امر را دارند. این مقام مسئول دلیل انتقال های ناگهانی را مقاومت احتمالی زندانیان عنوان کرده و به زندانیان گفته بود که اگر با ما همکاری کنید درمورد بعدی از پیش به شما اطلاع داده خواهد شد.

۱۶ مارس ۲۰۲۱

ناپذیر برای خواندن و آموختن شناخته ایم. ما با یادآوری مقاومت مریم در برابر تمامی دشواری هایی که او و خانواده اش در راه دادخواهی و عقاید و باورهایشان متحمل شده اند، باشادمانی از آنکه اقبال همراهی با زنی بزرگ چون او را داشته ایم ضمن احترام به او و سلوک و منش اش، سر بلندی و استواری روزافزون او را آرزو مندیم....

زهرا زهتابچی، فاطمه مثنی، زینب همرنگ، ناهید فتحعلیان، ارس امیری، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، حدیث صبوری، رویا ایزد پناه، راحله احمدی، عالییه مطلب زاده، آرزو قاسمی، پریسا رفیعی و آتنا دائمی/ روز یکشنبه ۲۴ اسفندماه ۱۳۹۹/ بند زنان زندان اوین.»

از میان این زندانیان، راحله احمدی روز جاری به مرخصی درمانی یک هفته ای اعزام شده است.

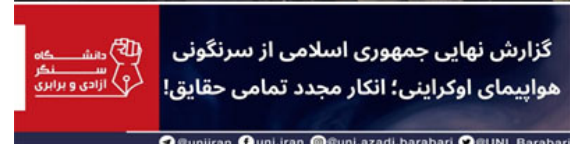
تبعید زندانیان سیاسی از تهران به سایر شهرستان ها در ماه های اخیر امری مسبوق به سابقه است. یکشنبه شب مورخ ۵ بهمن ماه نیز گلرخ ایرایی، زندانی سیاسی از زندان قرچک ورامین به زندان آمل تبعید شد. هرانا در تاریخ ۱۵ آذرماه از انتقال سه زندانی دیگر از جمله سپیده فرهان و مژگان کشاورز از بند سیاسی زنان زندان اوین به

«مریم اکبری منفرد، پس از حدود ۱۲ سال حبس بی وقفه، نوزدهم اسفند سال ۹۹ به زندان سمنان تبعید شد. او که در دی ماه ۸۸ دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شد، یکی از قدیمی ترین زنان زندانی سیاسی ایران و یادگار و بازمانده ای خانواده ای است سیاسی که بهای بسیار سنگین اعدام چهار فرزندشان را پرداخته اند و در تمامی این سال ها همواره با اعمال انواع فشارها و محدودیت ها مواجه بوده است، همانند محرومیت از حتی یک روز مرخصی!

مریم اکبری منفرد در روزهای تبعید شد که همانند هر سال با تمام وجود مقدمات مراسم نوروز را تدارک می دید. او ستون محکمی بود که کشور و نشاط بی دریغ و انگیزه و عشق به مقاومت را در بند می دمید. ما با بهت و ناباوری شاهد رفتن زنی پاکبخته و استوار بودیم که بیهیچ تزلزلی و با همان روحیه ی پر شور همیشگی، با لبی خندان، چشمانی درخشان و سرود خون بار سفر بسته، وداع کرد و رهسپار تبعیدگاه شد.

ما زندانیان سیاسی بند زنان اوین، با هر عقیده و باوری که داریم مریم را به فراخور لحظه لحظه های همزیستی مان به استقامت و بردباری، عزم و اراده و شخصیت مبارز، خستگی ناپذیری، بیگانگی با عادت و روزمرگی و عطشی سیری

گزارش نهایی جمهوری اسلامی از سرنگونی هواپیمای اوکراینی؛ انکار مجدد تمامی حقایق! دانشگاه سنکر آزادی و برابری



بار هر مسئولیتی خالی می کند که به خوبی می داند ذره ای عقب نشینی در این پرونده، برایش به منزله متهم شدن تمامی سران حکومت به سازمان دادن جنایت جنگی تمام می شود. آن چنان که گزارش خانواده ها و همچنین گزارشات بین المللی چون سازمان ملل، اکیدا روی این مساله انگشت گذاشته اند که جمهوری اسلامی جز انکار حقایق و دروغگویی چیزی تاکنون ارائه نداده است.

خانواده های جانباختگان و در کنار آنها دهها میلیون مردم ایران دادخواه هواپیمای اوکراینی هستند و خواستار محاکمه تمامی آمرین و عاملین وقوع چنین جنایت سازمان یافته ای در دادگاههای عادلانه بین المللی. انتشار چنین گزارشاتی از سوی حکومت اسلامی، جز تقویت جنبش دادخواهی در جامعه ایران و تشدید اعتراضات دادخواهانه اش نتیجه ای در بر نخواهد داشت.

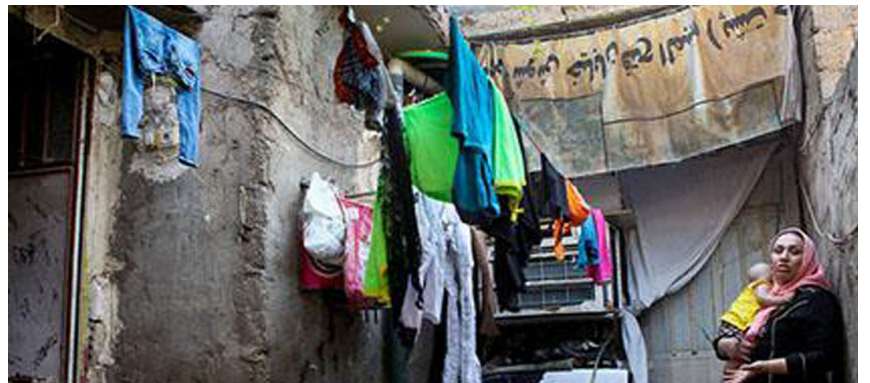
سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی، پس از بیش از یک سال از شلیک عمدی سپاه پاسداران به هواپیمای مسافربری اوکراین، گزارش نهایی خود را درباره آن منتشر کرده که در نهایت وقاحت قابل انتظار، مسئولیت شلیک را به اپراتور واحد پدافندی نسبت داده است. سایر موارد مورد بحث در پرونده را نیز با اشکال پیشین دروغین، به گونه ای گزارش داده که هیچگونه مسئولیتی برای نظام نداشته باشد.

این گزارش که رسانه های نزدیک به سپاه پاسداران از جمله خبرگزاری فارس خبر آن را با ارجاع به وبسایت سازمان هواپیمایی در روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه منتشر کردند، از دسترس خارج شده است. اما خبرگزاری ایلنا جزئیاتی از این گزارش را منتشر کرده که شرح آنها را می توان در خبرگزاری های خارج کشور به تفصیل مشاهده کرد.

جمهوری اسلامی در شرایطی دست به انکار همه تقصیرات زده و شانه از زیر

اطلاعیه های حزب

حاشیه نشینی در خوزستان



یکی از معضلاتی است که نظام سرمایه برای بشر ایجاد کرده و تنها مختص به ایران نیست. آغاز پدیده حاشیه‌نشینی در جهان با انقلاب صنعتی و رشد شهرهای صنعتی مقارن است. حاشیه‌نشینی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، حاصل پروسه مستمند سازی هر روزه کارگر و کل جامعه در جوامع سرمایه داری است که همچون زائده‌هایی در کنار شهرهای صنعتی سر بلند میکنند.

خوزستان دومین استان ایران از لحاظ حاشیه‌نشینی است و نزدیک به یک میلیون نفر؛ معادل یک پنجم جمعیت آن در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. از جمله اهواز با بیش از ۴۵۰ هزار حاشیه‌نشین، سومین شهر با جمعیت بالای حاشیه‌نشین کشور به شمار می‌رود.

اکثر حاشیه‌نشینان اهواز، از شهرستانهای دشت آزادگان، حمیدیه و مسجدسلیمان آمده‌اند. محلات صیاحی، شلنگ آباد، رزمندگان، گلدشت، گل بهار، کریشان، عین دو، ملاشیه، چنیه، جنگیه، کوت عبدالله، کانتکس، قلعه‌کنعان، کوی طاهر، آل صافی، منبع آب، حصیرآباد، زرگان، زویه 1 و زویه 2 مهمترین محلات حاشیه‌نشین اهواز می‌باشند. بعد از اهواز، شهرهای ماهشهر، مسجدسلیمان، آبادان، دزفول، اندیمشک و کارون عمده مناطق حاشیه‌نشین را در خوزستان دارند که اساساً بخش گسترده‌ای از این روند افزایشی منشأ روستایی دارد چرا که در بسیاری از روستاهای خوزستان، به دلیل کمبود درآمد خانوارها، به صرفه نبودن کشاورزی برای درآمدزایی، نبود و یا کمبود امکانات اولیه زندگی مانند آب، مواد غذایی، بهداشت مناسب، مسکن، مدرسه و... سبب شده تا جمعیت روستایی ناتوان از ادامه زندگی به ناچار به شهرهای بزرگتر سرازیر شوند.

از سوی دیگر افزایش چشمگیر قیمت نفت در طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۱ و سرازیر شدن سرمایه‌های زیادی به سوی شهرها، انگیزه مهاجرت از روستاها به شهرها را تقویت کرد. این در حالی بود که شهرهای مهاجر پذیر از زیر ساختهای کافی برای ساماندهی جمعیت مهاجر برخوردار نبودند و کارگر نیز بدون هیچگونه تأمینی و برای تهیه لقمه نانی ناگزیر به شهرنشینی بود.

بعد نیز در دوره حاکمیت

جمهوری اسلامی و فقر و فلاکت هر روز بیشتر مردم پدیده حاشیه‌نشینی رشد شتابنده‌ای یافت. از جمله جنگ ایران و عراق، تشدید فقر و محرومیت، بیکاری و استمرار سیاست تمرکزگرایی در حوزه‌های اقتصادی، رفاهی، خدماتی و غیره که شکاف عمیقی را میان شهرهای بزرگ در مقایسه با مناطق شهری کوچک و روستاها ایجاد کرده بود از عوامل مهم افزایش حاشیه‌نشینی در این دوره بود. اما نکته اینجاست که امروز با عمیق‌تر شدن هر روز بیشتر فاصله طبقاتی در سطح جامعه و با به تباهی رسیدن هر روز بیشتر زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه حاشیه‌نشینی به یک پدیده فاجعه‌بار اجتماعی تبدیل شده است. از جمله بخش‌بزرگی از این حاشیه‌نشینان کارگرانی هستند که با معضلاتی چون بیکاری و بیکار شدن از کار، تعویق دائمی پرداخت دستمزدها و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر هستند. مردمی هستند که هیچگونه تأمینی برای معاش خود ندارند و تهیه یک سرپناه به معضلی بزرگ برایشان تبدیل شده است.

رشد حاشیه‌نشینی در خوزستان را باید در متن چنین اوضاع و احوالی دید. مناطقی که خود مراکز داغی از اعتراض هستند.

کمیته سازمانده حزب
کمونیست کارگری - واحد
خوزستان
۲۳ اسفند ۹۹

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

ستم کافیه، سفره ما خالیه، سفره ما خالیه، وضع شما عالییه، "نه تهدید نه سرکوب هرگز اثر ندارد"، فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"

۲۸ اسفند: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر

درست در آستانه سال جدید، در ساعت ده و نیم صبح روز ۲۸ اسفند، بازنشستگان تامین اجتماعی که زیر فشار سنگین اقتصادی قرار دارند و علیرغم اعتراضات بسیار به خواسته‌هایشان پاسخی داده نشده در چند شهر تهران، اراک، اردبیل، کرمان و خرم آباد تجمع کردند. مافیای چپاولگر حاکم حتی از حقوق ناچیز بازنشستگان و ذخیره صندوقهای بازنشستگی هم دست نمیکشد و با بالا کشیدن حقوق و معیشت آنها، فشار کمر شکنی را بر این بخش از جامعه وارد میکند. اعتراض بازنشستگان به زندگی زیر خط فقر، به تبعیضات و نابرابریها، و به دزدی‌ها و اختلاس‌هاست.

بازنشستگان از آذر ماه تا کنون ۱۵ تجمع بزرگ و سراسری در بیش از ۲۴ شهر برپا کرده و بر خواسته‌هایشان تاکید کرده‌اند. در تجمع امروز یکی از بازنشستگان به اسم اسماعیل گرمی که در تجمع هفدهم اسفند بازداشت شده بود سخنرانی کرد و در مورد مشکلات بازنشستگان سخن گفت و بر روی خواسته‌های فوری شان تاکید کرد. شعارهای اعتراضی بازنشستگان در تجمعات امروز عبارت بودند از: "وعده وعید کافیه، ظم و ستم کافیه"، "کشور ما رو گنجه، بازنشسته در رنجه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "وحدت بازنشسته، سراسر ایرانه"، "کنشتی بازنشسته، چرا به گل نشسته"، "کارگر تهرانی، کارگران شهرستان، وحدتان مبارک"، "مجلس دولت، بس است فریب ملت"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "تا حق خود نگیریم، آروم نمی‌نشینیم"، "ظلم و

اولتیماتوم کارگران راه آهن ورامین به مسدود کردن مسیر قطارها و یک خبر دیگر

امروز چهارشنبه ۲۷ اسفند کارگران راه آهن ورامین در ادامه اعتراضاتشان اعلام کردند که اگر تا فردا ظهر شرکت طلبهای مزدی شان را پرداخت نکند و به خواسته‌هایشان پاسخ ندهد هر طوری شده مسیر قطارها را مسدود خواهند کرد و نمیگذارند که از آنجا قطاری رد بشود.

اعتراضات کارگران راه آهن هم اکنون در چندین استان در جریان است. اعتراض این کارگران به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری است. در اراک، نورآباد و مشک آباد کارگران معترض راه آهن بخاطر اعتراضاتشان تهدید به اخراج شده‌اند. شمار این کارگران ۲۷۰ نفر است و با وجود اینکه فقط سه روزه پایان سال جاری باقی مانده است، هنوز حقوق و مزایای بهمین و عیدی و سنوات و بن خود را دریافت نکرده‌اند. در برابر تعدیات کارفرما کارگران ایستاده‌اند و بر ادامه اعتراض خود تاکید دارند.

روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه کارگران شرکت آب و فاضلاب اهواز برای سومین روز در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و سنوات و عیدی سال گذشته و چند ماه حق بیمه مقابل استانداری تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان پرداخت معوقات و مطالبات خود شدند.

ادامه اطلاعاتی‌های حزب

تجمع کارگران پیمانی شرکت توزیع برق، بازنشستگان نفت و چند خبر دیگر

روز سه شنبه ۲۶ اسفند بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده جمعی از کارکنان شرکت توزیع برق کشور در اعتراض به خلف وعده‌ها و قراردادهای پیمانی و وضع بد معیشتی خود مقابل درب شمالی مجلس با همراه داشتن پلاکاردهایی دست به تجمع زدند. این کارگران قبلاً نیز در همین رابطه در روزها ۱۹ و ۱۴ اسفند تجمع داشتند. همسان سازی حقوق‌ها و حذف شرکت‌های پیمانی دلال تأمین نیرو از مهمترین خواسته‌های آنان است.

روز سه شنبه ۲۶ اسفند ماه کارگران شرکت پارس متال در اعتراض به پرداخت نشدن اقساط وام دریافتی از سوی کارفرما که جهت پرداخت معوقات سنوات کارگران اخذ شده بود و مشکل دریافت حق سنواتشان در مقابل این شرکت جمع کردند.

صبح روز ۲۶ اسفند پاکبانان شهرداری بهبهان به دلیل عدم پرداخت مطالبات خود در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند.

روز دوشنبه ۲۵ اسفند ماه بازنشستگان صنعت نفت در اعتراض به سطح نازل حقوق عدم همسان سازی حقوق با شاغلان، پرداخت نشدن مطالبات و عملکرد صندوق بازنشستگی، مقابل دفتر نمایندگی صندوقهای بازنشستگی در اهواز تجمع کردند. این کارگران با شعارهایی چون تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم و فریاد مرگ بر زنگنه بر تداوم اعتراضشان تأکید داشتند.

روز دوشنبه ۲۵ اسفند کارگران کارخانه قند یاسوج در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و تعویق پرداخت حقوق خود برای چندمین بار در جلوی بانک تجارت استان

کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گفته کارگران بعد از خلع ید از مالکیت خصوصی در این کارخانه و انتقال آن به بانک تجارت هنوز بیش از ۱۰۰ نفر از آنان بیکار و زیر فشار اقتصادی سنگینی قرار دارند. دست بدست شدن مراکز کارگران بدست سرمایه دار چپاولگر فشار سنگینی بر زندگی کارگران وارد کرده و امنیت شغلی آنها را در خطر دائمی قرار داده است.

روز ۲۶ اسفند کارگران قند ممسنی در استان فارس در آستانه ۴ ساله شدن تعطیلی کارخانه صدای اعتراض خود را به وضع بلاتکلیفی شغلی شان رسانه ای کرده و خواستار بازگشایی مجدد این کارخانه شدند.

روز یکشنبه ۲۴ اسفند کارگران کارخانه ایران مایه (گل مایه) تبریز بخاطر تعطیلی کارخانه برای سومین روز دست به اعتراض زدند. در این روز کارگران بخاطر حمایت اداره کار از کارفرما ابتدا مقابل کارخانه تجمع کردند و بعد اعتراض خود را به شهر تبریز کشاندند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. کارخانه ایران مایه (گل مایه) تولیدکننده انواع خمیرمایه است و بیش از ۱۰۰ کارگر در آن اشتغال دارند. بنا بر خبر بدنبال شکایت کارگران، نماینده اداره کار حق را به کارفرما داده و گفته است که کارفرما می‌تواند بعد از مدتی کارگران را اخراج کند و «کارگر نیز می‌تواند به اداره کار شکایت کند». کارفرما نیز با پشتگرمی اداره کار قصد اخراج همه کارگران و معرفی آنها برای دریافت «بیمه بیکاری» را دارد.

اعتصاب در راه آهن، تجمع کارگران آلومنیوم ایران و چند خبر دیگر

امروز دوشنبه ۲۵ اسفند بدنبال فراخوان قبلی اعلام شده از سوی کارگران راه آهن، این کارگران در ورامین دست به اعتصاب زدند و راهداران در این شهر از تحویل شیفت کاری شان خودداری کردند. اعتراض این کارگران به تعویق پرداخت

دستمزدها و قراردادهای موقت کاری است و اعلام کرده اند که تا حقوق و مطالباتشان را دریافت نکنند سر کار باز نخواهند گشت. در همین روز کارگران راه آهن کرج نیز وارد اعتصاب شدند. این کارگران مزد سه ماه خود را طلب دارند.

روز ۲۵ اسفند کارگران شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو) در اعتراض به تغییر آیین نامه انضباطی کار و تشدید فشارهای امنیتی دست به اعتراض زدند. به گفته کارگران این تغییرات مقدمه فشار بیشتر بر آنها و باز گذاشتن دست شرکت برای انفصال کارگران است و امنیت شغلی آنها را تهدید میکند.

روز ۲۵ اسفند کارگران اقماری ملی حفاری در اعتراض به عدم پرداخت هزینه رفت و برگشت خود به محل کارشان صدای اعتراض خود را رسانه ای کردند. به گفته این کارگران مسیر رفت و برگشت آنها به محل کار دو پرواز است و بابت آن ۴ پرواز در هر ماه حدود ۲,۸۰۰,۰۰۰ تومان پرداخت میکنند و این بخش بزرگی از دریافتی آنهاست. به گفته کارگران کارفرما مسئول پرداخت این پول است.

طی روزهای ۲۳ و ۲۴ اسفند گروهی از کارگران کارخانه ایران مایه تبریز (گلمایه) در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و در مخالفت با تصمیم کارفرما برای تعطیلی کارخانه مقابل کارخانه و فرمانداری تجمع کردند.

روزیکشنبه ۲۴ اسفند کارگران آبفا در خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه، اضافه کاری و سایر مزایا و مطالبات سالهای گذشته شان در مقابل ساختمان استانداری در اهواز دست به تجمع زدند. پیش‌بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ اسفند ۱۳۹۹، ۱۵ مارس ۲۰۲۱

بیانیه کارگران غیر رسمی نفت علیه دستمزد اعلام شده برای سال ۱۴۰۰

خودتان در همین یکساله در مورد خط فقر و سبد هزینه داده اید توجه کنید. از ده میلیون و دوازده میلیون حرف زدند. چرا چنین با ارقام بازی میکنید و زندگی ما را هم بازی میکنید؟

ما کارگران غیر رسمی نفت در همان اعتصاب سراسری مرداد ماه خود بر خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون تأکید داشتیم. در بیانیه دوم خود نیز اعلام کردیم که هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون مزد بگیرد. اکنون نیز بر همین باوریم و همانطور که تأکید کردیم با توجه به اینکه به هیچ کدام از وعده های داده شده عمل نشده است. با توجه به رشد سرسام آور قیمت ها، دیگر ادامه این وضعیت برای ما ممکن نیست و راهی جز اعتصابی سراسری برای پیگیری مطالباتمان نمانده است. سال ۱۴۰۰ سال اتحاد همه ما کارگران برای دفاع از زندگی و معیشتمان خواهد بود و با برافراشتن پرچم خواست افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون در تدارک آن خواهیم بود. سال نو بر همگی مبارک باد- کارگران غیررسمی نفت."

هم اکنون جنبشی قدرتمند بر سر خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون در جریان است. کارگران، معلمان، بازنشستگان نیروی مهم این جنبش هستند. باید به این جنبش پیوست. همانطور که کارگران غیر رسمی نفت در بیانیه خود اعلام کرده اند، سال ۱۴۰۰ سال اعتراض گسترده علیه دستمزدهای زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی است. حزب کمونیست کارگری ضمن شادباش پیشاپیش سال نو به همگان با تمام قوا از جنبش برای خواست افزایش دستمزد حمایت کرده و همگان را به پیوستن به آن فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اسفند ۱۳۹۹، ۱۶ مارس

۲۰۲۱

بدنبال اعلام تصمیم "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی مبنی بر تعیین دو میلیون و ششصد و پنجاه هزار تومان بعنوان میزان حداقل دستمزدها موجی از اعتراض در میان کارگران سر بلند کرده است. هزاران کارگر غیر رسمی نفت پیشتر از این اعتراض هستند و طی بیانیه ای اعتراض خود را به این تصمیم اعلام کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه نیز طی پیامی در مدیای اجتماعی خود صدای اعتراضشان را علیه این تصمیم بلند کرده اند. قبلاً نیز ۳۴ تشکل و گروه از کارگران، معلمان و بازنشستگان و فعالین دفاع از حقوق کودک و نیز کارگران فولاد اهواز بر خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون تأکید کرده اند. همچنین اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار بیانیه ای به این تصمیم جنایتکارانه شورایی کار اعتراض کرد.

کارگران غیر رسمی نفت در بیانیه خود ضمن شادباش فرا رسیدن سال نو به تعیین حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر برای سال ۱۴۰۰ اعتراض کرده و بار دیگر بر اینکه راهی جز اعتصاب برایشان باقی نمانده است، تأکید کرده اند. متن این چنین است:

" سال ۱۴۰۰ سال اعتراض ما کارگران علیه دستمزدهای فقیرانه. پیشاپیش سال جدید را به همه مردم و هم طبقه ای هایمان شادباش میگوییم شورایی عالی کار میزان حداقل دستمزد را که مبنایی برای تعیین دیگر سطوح مزدی است ۲۶۵۵۰۰۰ تومان تعیین کرد. این درحالیست که کمیته مزد سبد هزینه را ۶ میلیون ۸۹۵ هزار تومان تعیین کرده بود و ما اعتراض کردیم که چرا سبد هزینه ما کارگران را به نیم کاهش داده اند. الان باید بگوییم چرا حتی همان سبد هزینه ای را که خود اعلام کردید به نصف کاهش دادید. چگونه است که می‌نشینید و در مورد کم کردن آخرین لقمه نان از سفره ما کارگران تصمیم میگیرید. به اعداد و ارقامی که

سال تازه را شادباش میگویم

سال تازه را به همه شما عزیزان، به همه مردم آزاده و به شما که حزب کمونیست کارگری و اهداف انسانی و آزادیخواهانه آنرا دنبال میکنید، صمیمانه شادباش میگویم.

امیدواریم سال تازه سال تحقق آرزوهای همه شما، آرزوهای همه مردمی باشد که برای سرنگونی حکومت اسلامی و برای جامعه ای انسانی مبارزه میکنند. سال تحقق جامعه ای بدون نابرابری، بدون تبعیض و فقر و بیعدالتی، جامعه ای شاد و پر از شگوفایی و شکفتن استعدادها، جامعه ای که در آن مذهب به کج خانه مارانده شده و شادی و خوشبختی در آن موج میزند. دست استشارگران و آیت الله ها و دست مذهب از جامعه کوتاه شده باشد، کسی آقا بالا سر مردم نباشد، مردم در سراسر کشور در شوراها و خودشان شکل شده باشند و آزادانه تصمیم بگیرند. جامعه ای که جای فقر را رفاه، جای مذهب و خرافه را علم، جای سرکوب و خشونت را نوع دوستی، جای تحقیر و ستم به زن را برابری کامل و همه جانبه، و جای سرمایه داری و بردگی مزدی را جامعه ای انسانی، جامعه ای سوسیالیستی، که شرط تحقق همه آرزوهای انسانی مردم است خواهد گرفت.

حزب کمونیست کارگری نیاز مبرم جامعه برای تحقق همه این آرزوهای شریف و انسانی است. حزب امید به پیروزی، حزب متحد کردن و سازمان دادن مردم، حزب سازش ناپذیر و انقلابی برای در هم کوبیدن حکومت و نظام سگمران. این حزب شما است. به آن پیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.